

منادی احدیه از شطر الوهیه ندا میفرماید ای احباً ذیل مقدّس را بطین دنیا میالائید و به ما اراد النفس و الهوی تکلم مکنید قسم بآفتاب افق امر که از سماء سجن بکمال انوار و ضیاء مشهود است مقبلین قبله وجود الیوم باید از غیب و شهود مقدّس و منزّه باشند اگر بتبلیغ مشغول شوند باید بتوجه خالص و کمال انقطاع و استغنا و علوّ همّت و تقدیس فطرت توجه باشطار بنفحات مختار نمایند ینبغی لهؤلاء ان یکون زادهم التّوکل علی الله و لباسهم حبّ ربّهم العلیّ الابهی تا کلمات آن نفوس مؤثر شود نفوسی که الیوم بمشتهیات نفسیه و زخارف دنیای فانیه ناظرند بغایت بعید مشاهده میشوند در اکثر احیان در ساحت رحمن بحسب ظاهر زخارفی نبوده و طائفین حول در عسر عظیم بوده اند مع ذلک ابدأ از مشرق قلم اعلی ذکر دنیا و یا کلمهئی که مدلّ بر آن باشد اشراق نموده و هر نفسی که موفق شد و بساحت اقدس هدیهئی ارسال نمود نظر بفضل قبول شده مع آنکه اگر جمیع اموال ارض را بخواهیم تصرف نمائیم احدی را مجال لم و بم نبوده و نخواهد بود هیچ فعلی اقبح از این فعل نبوده و نیست که باسم حقّ مابین ناس تکدی شود بر آن جناب و اصحاب حقّ لازم که ناس را بتزیه اکبر و تقدیس اعظم دعوت نمایند تا رایحه قمیص ابهی از احبّای او استنشاق شود ولکن باید اولو الغنی بفقرا ناظر باشند چه که شأن صابرين از فقرا عندالله عظیم بوده و عمری لا يعادله شأن الا ما شاء الله طوبی لفقیر صبر و ستر و لغنی انفق و آثار انشاءالله باید فقرا همّت نمایند و بکسب مشغول شوند و این امری است که بر هر نفسی در این ظهور اعظم فرض شده و از اعمال حسنه عندالله محسوب و هر نفسی عامل شود البتّه اعانت غیبیه شامل او خواهد شد انّه یغنی من یشاء بفضل الله علی کلّ شیء قدیر...

ای علی بگو باحبّای الهی که اول انسانیت انصاف است و جمیع امور منوط بآن قدری تفکر در رزایا و بلاایای این مسجون نمائید که تمام عمر در ید اعدا بوده و هر یوم در سبیل محبت الهی

ببلائی مبتلا تا آنکه امر الله مابین عباد مرتفع شد حال اگر نفسی سبب شود و باوهام خود در تفریق ناس سرّاً او جهراً مشغول گردد او از اهل انصاف است لا ونفسه المهيمنة على العالمين لعمرى ينوح قلبى و يدمع عيني لأمر الله وللذين يقولون ما لا يفقهون ويتوهمون فى انفسهم ما لا يشعرون اليوم لايق آنکه کل باسم اعظم متشبث شوند نیست مهرب و مفرى جز او و ناس را متحد نمایند اگر نفسی در اعلى علو مقام قائم باشد و از او کلماتی ظاهر شود که سبب تفریق ناس گردد از شاطى بحر اعظم و علت توجه بشطرى جز مقام محمود مشهود که ظاهر است بحدود بشرية جهاتيه يشهد كل الأکوان بأنه محروم من نفحات الرحمن قل ان انصفوا يا اولى الألباب من لا انصاف له لا انسانية له حق عالم است بكل نفوس و ما عندهم حلم حق سبب تجرى نفوس شده چه که هتک استار قبل از میقات نمیفرمایند و نظر بسبقت رحمت ظهورات غضبیه منع شده لذا اکثرى از ناس آنچه سرّاً مرتکبند حق را از آن غافل دانسته اند لا ونفسه العليم الخبير کل در مرآت علمیه مشهود و مبرهن و واضح قل لك الحمد يا ستار عيوب الضعفاء و لك الحمد يا غفار ذنوب الغفلاء ناس را از موهوم منع نمودیم که بسطان معلوم و ما يظهر من عنده عارف شوند حال بظنون و اوهام خود مبتلا مشاهده میشوند لعمرى انهم هم الموهوم و لا يشعرون و ما يتكلمون انه هو الموهوم و لا يفقهون نسأل الله ان يوفق الكل و يعرفهم نفسه و انفسهم لعمرى من فاز بعرفانه يطير فى هواء حبه و ينقطع عن العالمين و لا يلتفت الى من على الأرض كلها و كيف الذين يتكلمون بأهوائهم ما لا اذن الله لهم بگو اليوم يوم اصغا است بشنويد ندای مظلوم را باسم حق ناطق باشید و بطراز ذکرش مزین و بانوار حبش مستنیر اینست مفتاح قلوب و صیقل وجود و الذی غفل عما جرى من اصبع الارادة انه فى غفلة مبين صلاح و سداد شرط ایمان است نه اختلاف و فساد بلغ ما امرت به من لدن صادق امين انما البهآ عليك يا ايها الذآكر باسمى و الناظر الى شطرى و الناطق بثناء ربك الجميل